





دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی

عنوان:

پیش بینی رابطه بین ابعاد اصلی سبک تفکر با خلاقیت در بین معلمان ورزش
استان کردستان

پژوهشگر:

راحله فاضلی نیکو

استاد راهنما:

دکتر سعید صادقی بروجردی

استاد مشاور:

دکتر سردار محمدی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی
گرایش عمومی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهد نامه

اینجانب راحله فاضلی نیکو دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی گرایش عمومی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

راحله فاضلی نیکو

۱۳۹۱ / ۲ / ۲۴



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی گرایش عمومی

عنوان:

پیش بینی رابطه بین ابعاد اصلی سبک تفکر با خلاقیت در بین معلمان ورزش
استان کردستان

پژوهشگر:

راحله فاضلی نیکو

در تاریخ ۱۹/۴۵ و درجه عالی به تصویب رسید.

در تاریخ ۱۳۹۱ / ۲ / ۲۴ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	دانشیار	دکتر سعید صادقی بروجردی	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر سردار محمدی	۲- استاد مشاور
	دانشیار	دکتر بهرام یوسفی	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر پرویز کفچه	۴- استاد داور داخلی
مهر و امضاء معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده			مهر و امضاء گروه

تقدیم به خانواده ام

که بزرگترین سرمایه‌های زندگی‌ام هستند

و

تقدیم به اساتید گرانقدرم دکتر بروجردی و محمدی

که روشنگر راهم بودند

سپاسگزاری و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم که بدین وسیله از کلیه عزیزانی که به نحوی اینجانب را در انجام این پژوهش یاری و راهنمایی نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

از اساتید راهنما و مشاور گرانقدرم آقایان دکتر سعید صادقی بروجردی و دکتر سردار محمدی، به خاطر راهنمایی‌های ارزنده و زحمات بی‌شائبه‌شان.

از مدیر گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، آقای دکتر مهدی عباسپور.

از کارشناسان محترم تربیت بدنی آموزش و پرورش استان به خصوص خانمها ایمانی و هاشمی‌نیا که اطلاعات لازم راجع به معلمان و مدارس و آمار آنها در استان در اختیار این جانب قرار دادند.

از برادر عزیزم مهدی و دوستان گرانقدرم خانمها فاطمه معتقدی، زیبا صدرا، زهرا حسنی نصرت و آقایان رشاد صلواتی، تحسین اسدی و طاها رزم‌آرا که در توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها به اینجانب یاری رساندند.

در آخر تشکر و قدردانی می‌کنم از خانواده عزیزم (پدر بزرگوارم، خواهر شفیقم، برادران عزیزم روح‌الله و مهدی و همسر مهربانم محسن جان) که تا آخرین لحظه با حمایت‌های معنوی خود مرا یاری رساندند.

چکیده

در نظام آموزش و پرورش، معلم ورزش اگر نقش و جایگاهی مهم‌تر و برجسته‌تر از سایر معلمان نداشته باشد، نقش کم اهمیت‌تر ندارد، بر این اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سبک تفکر و خلاقیت معلمان ورزش استان کردستان صورت گرفت. متغیر ملاک در این پژوهش خلاقیت و متغیر پیش بین سبک تفکر بود. روش تحقیق از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق معلمان ورزش زن و مرد استان کردستان بودند که تعداد آنها در زمان تحقیق ۸۹۷ نفر بود. طبق جدول مورگان ۲۶۸ نفر به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه های ویژگی‌های فردی، پرسشنامه استاندارد خلاقیت تورنس و پرسشنامه استاندارد سبک تفکر استرنبرگ و واگنر بود که با اندکی دخل و تصرف ورزشی شده بودند و روائی محتوایی آنها توسط متخصصین مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار درونی پرسشنامه خلاقیت ۰/۷۶ و سبک تفکر ۰/۸۸ بود.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، تحلیل واریانس و...) استفاده شد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که: ۲۱/۶٪ از معلمان خلاقیت بسیار زیاد، ۴۱/۴٪ خلاقیت زیاد، ۱۷/۶٪ خلاقیت متوسط، ۱۱/۷٪ خلاقیت کم و ۷/۷٪ خلاقیت بسیار کم بودند که ۶۳/۰٪ معلمان خلاقیت بالاتر از حد متوسط داشتند. بین میزان خلاقیت معلمان با مدرک تحصیلی مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده شد و نتایج نشان داد معلمان با مدرک تحصیلی بالا خلاق‌تر بودند. همچنین تفاوت معنی‌داری از نظر سبک تفکر آزاداندیش در بین معلمان مشاهده گردید و معلمان با مدرک تحصیلی بالا آزاداندیش‌تر و به تبع آن خلاق‌تر بودند. در ابعاد سبک تفکر (بجز اجرائی با آزاداندیش و آزاداندیش با محافظه‌کار) ارتباط معناداری وجود داشت. بین میزان خلاقیت و ابعاد چهارگانه آن (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری) و مؤلفه‌های سبک تفکر در مردان و زنان نتایج یکسان بود. بین ابعاد سبک تفکر قانونی، قضائی و آزاداندیش با مؤلفه‌های خلاقیت رابطه معناداری وجود داشت. همچنین از طریق سبک تفکر می‌توان خلاقیت را پیش بینی کرد (افزایش هر واحد تغییر در ابعاد قانونی و قضائی به ترتیب ۰/۳۲ و ۰/۳۶ بر میزان خلاقیت افزوده می‌شد) اما با افزایش هر واحد تغییر در ابعاد اجرائی ۰/۴۱- از میزان خلاقیت کاسته می‌شود. همچنین سبک محافظه‌کارانه ارتباط معناداری با خلاقیت نداشت.

واژه های کلیدی: خلاقیت، سبک‌های تفکر، معلمان ورزش، آموزش و پرورش

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۱ ۱-۱- مقدمه
۴ ۲-۱- بیان مسئله پژوهشی
۶ ۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق
۹ ۴-۱- اهداف تحقیق
۹ ۱-۴-۱- هدف کلی تحقیق
۹ ۲-۴-۱- اهداف ویژه
۱۰ ۵-۱- پیش فرض های تحقیق
۱۰ ۶-۱- فرضیه های تحقیق
۱۱ ۷-۱- محدودیت های تحقیق
۱۱ ۱-۷-۱- محدودیت های در کنترل پژوهشگر
۱۱ ۲-۷-۱- محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر
۱۲ ۸-۱- تعریف واژه ها و اصلاحات فنی
۱۲ ۱-۸-۱- تعریف نظری واژه های تحقیق
۱۴ ۲-۸-۱- تعریف عملیاتی واژه های تحقیق

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

۱۶ ۱-۲- مقدمه
۱۷ ۲-۲- مبانی نظری
۱۷ ۱-۲-۲- تعریف خلاقیت
۱۹ ۲-۲-۲- مفهوم خلاقیت
۲۰ ۳-۲-۲- اهمیت خلاقیت و نوآوری
۲۱ ۴-۲-۲- خلاقیت به عنوان فرآیند
۲۲ ۵-۲-۲- تفاوت خلاقیت با نوآوری
۲۳ ۶-۲-۲- ویژگی های شخصیتی و خصوصیات افراد خلاق
۲۶ ۷-۲-۲- تأثیرات فرهنگ و محیط بر خلاقیت
۲۸ ۸-۲-۲- عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت
۳۲ ۹-۲-۲- عوامل بازدارنده خلاقیت (کشنده های خلاقیت)

۳۴ نظریه‌های اخلاقیت ۱۰-۲-۲
۳۶ مقاومت سازمان‌های آموزشی ۱۱-۲-۲
۳۷ نقش ویژه مدارس در پرورش اخلاقیت ۱۲-۲-۲
۴۰ تأثیر متقابل معلمان- شاگردان و اخلاقیت ۱۳-۲-۲
۴۱ راه‌های آموزش و پرورش اخلاقیت ۱۴-۲-۲
۴۶ نقش مدیر در پرورش اخلاقیت ۱۵-۲-۲
۴۸ موانع رشد و پرورش اخلاقیت در دانش‌آموزان از نظر معلمان ۱۶-۲-۲
۵۰ معلم، اخلاقیت فردی و تأثیر آن در رشد و ابتکار دانش‌آموزان ۱۷-۲-۲
۵۰ نقش معلم در رشد و پرورش اخلاقیت در دانش‌آموزان ۱۸-۲-۲
۵۴ معلم و شیوه‌های پرورش تفکر خلاق و نوآور در دانش‌آموزان ۱۹-۲-۲
۵۵ شیوه‌های گوناگون تدریس ۲۰-۲-۲
۵۷ سبک‌های تفکر ۲۱-۲-۲
۵۹ کنش‌ها (عملکردها) ۱-۲۱-۲-۲
۶۱ شکل‌ها ۲-۲۱-۲-۲
۶۳ سطح‌ها ۳-۲۱-۲-۲
۶۴ حوزه‌ها (حیطه‌ها) ۴-۲۱-۲-۲
۶۴ گرایش‌ها(تمایلات) ۵-۲۱-۲-۲
۶۵ عوامل مؤثر در تحول سبک‌های تفکر ۲۲-۲-۲
۶۸ اصول سبک‌های تفکر ۲۳-۲-۲
۶۹ شکل‌گیری سبک‌های تفکر ۲۴-۲-۲
۶۹ تفکر نقادانه ۲۵-۲-۲
۷۰ سبک‌های تفکر در ورزش ۲۶-۲-۲
۷۱ سبک‌های تفکر در مدرسه ۲۷-۲-۲
۷۲ پیشینه تحقیق ۳-۲
۷۲ تحقیقات داخلی پیرامون رابطه اخلاقیت با سبک تفکر ۱-۳-۲
۷۲ تحقیقات خارجی پیرامون رابطه اخلاقیت با سبک تفکر ۲-۳-۲

۷۴ ۲-۳-۳- تحقیقات داخلی خلاقیت
۷۷ ۲-۳-۴- تحقیقات خارجی خلاقیت
۷۹ ۲-۳-۵- تحقیقات داخلی انجام شده در زمینه سبک‌های تفکر
۸۲ ۲-۳-۶- تحقیقات خارجی سبک‌های تفکر
۸۵ ۲-۴- جمع‌بندی

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۸۸ ۳-۱- مقدمه
۸۸ ۳-۲- روش تحقیق
۸۸ ۳-۳- جامعه آماری
۸۸ ۳-۴- نمونه و روش نمونه‌گیری
۸۹ ۳-۵- متغیرهای تحقیق
۹۰ ۳-۶- ابزار اندازه‌گیری
۹۳ ۳-۷- تعیین روائی و ضریب پایایی پرسشنامه
۹۴ ۳-۸- روش گردآوری اطلاعات
۹۴ ۳-۹- روش‌های آماری تحقیق

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۹۷ ۴-۱- مقدمه
۹۷ ۴-۲- آمار توصیفی
۱۰۰ ۴-۳- آمار استنباطی
۱۰۱ ۴-۴- فرضیه‌های آماری
۱۰۱ ۴-۴-۱- فرضیه اول
۱۰۲ ۴-۴-۲- فرضیه دوم
۱۰۳ ۴-۴-۳- فرضیه سوم
۱۰۶ ۴-۴-۴- فرضیه چهارم
۱۰۸ ۴-۴-۵- فرضیه پنجم
۱۰۸ ۴-۴-۶- فرضیه ششم

۱۱۱ ۷-۴-۴- فرضیه هفتم
۱۱۳ ۵-۴- یافته‌های تحقیق
	فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۱۶ ۱-۵- مقدمه
۱۱۶ ۲-۵- خلاصه تحقیق
۱۱۸ ۳-۵- یافته‌های توصیفی و استنباطی
۱۲۰ ۴-۵- بحث و نتیجه‌گیری
۱۲۰ ۱-۴-۵- توصیف ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها
۱۲۰ ۲-۴-۵- آمار توصیفی سبک تفکر و خرده‌مقیاس‌های آن
۱۲۰ ۳-۴-۵- آمار توصیفی خلاقیت و خرده‌مقیاس‌های آن
۱۲۰ ۴-۴-۵- بررسی فرضیه‌های تحقیق
۱۲۸ ۵-۵- نتیجه‌گیری کلی
۱۳۰ ۶-۵- پیشنهادات
۱۳۰ ۱-۶-۵- پیشنهادات بر خاسته از تحقیق
۱۳۱ ۲-۶-۵- پیشنهادات برای مطالعات آینده

فهرست جداول

- جدول ۳-۱- جدول جامعه و نمونه آماری ۸۹
- جدول ۳-۲- نرم آزمون تورنس ۹۱
- جدول ۳-۳- انطباق گویه‌های پرسشنامه خلاقیت با هر یک از خرده مقیاس‌های مربوط به آن.... ۹۱
- جدول ۳-۴- انطباق گویه‌های پرسشنامه سبک تفکر با هر یک از خرده مقیاس‌های مربوط به آن..... ۹۲
- جدول ۳-۵- آزمون- آزمون مجدد..... ۹۴
- جدول ۴-۱- توزیع فراوانی، فراوانی نسبی معلمان به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات ۹۷
- جدول ۴-۲- توزیع فراوانی، فراوانی نسبی میزان خلاقیت در معلمان ۹۸
- جدول ۴-۳- توزیع فراوانی، فراوانی نسبی میزان خلاقیت در معلمان به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات ۹۸
- جدول ۴-۴- آزمون گلموگراف اسمیرنف جهت توزیع طبیعی داده‌ها ۱۰۰
- جدول ۴-۵- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر خلاقیت ۱۰۱
- جدول ۴-۶- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر خلاقیت ۱۰۱
- جدول ۴-۷- جدول همبستگی بین ابعاد سبک تفکر و خلاقیت ۱۰۲
- جدول ۴-۸- جدول همبستگی بین بعد کارکرد سبک تفکر و خلاقیت در معلمان مرد ۱۰۴
- جدول ۴-۹- جدول همبستگی بین بعد کارکرد سبک تفکر و خلاقیت در معلمان زن ۱۰۵
- جدول ۴-۱۰- جدول همبستگی بین بعد گرایش سبک تفکر و خلاقیت در معلمان زن ۱۰۶
- جدول ۴-۱۱- جدول همبستگی بین بعد گرایش سبک تفکر و خلاقیت در معلمان مرد ۱۰۷
- جدول ۴-۱۲- جدول همبستگی ابعاد سبک تفکر ۱۰۸
- جدول ۴-۱۳- مقایسه مؤلفه‌های خلاقیت با توجه به جنسیت ۱۰۹
- جدول ۴-۱۴- مقایسه مؤلفه‌های خلاقیت با توجه به سطح تحصیلات ۱۱۰
- جدول ۴-۱۵- مقایسه مؤلفه‌های سبک تفکر با توجه به جنسیت ۱۱۱
- جدول ۴-۱۶- مقایسه مؤلفه‌های سبک تفکر با توجه به سطح تحصیلات ۱۱۲

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه:

آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی را در رشد تحصیلی- شغلی افراد ایفا می‌کند، از این رو، برنامه-ریزی آموزشی می‌تواند در جهت هدایت افراد به سوی انتخاب رشته‌ی تحصیلی مناسب و به تبع آن انتخاب شغل و دستیابی به موفقیت هر چه بیشتر را فراهم سازد، لذا بررسی عواملی که در روند آموزشی معلمان تأثیر مثبت یا منفی دارد، برنامه‌ریزان آموزشی را بر آن می‌دارد تا در این مورد آگاهانه‌تر عمل کنند. از جمله عواملی که توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب نموده است، سبک تفکر فرد است. هر فردی که با امر آموزش و پرورش افراد سروکار داشته باشد، می‌داند که آن‌ها با روش‌های متفاوتی فکر می‌کنند و یاد می‌گیرند. به عنوان مثال یک دانش‌آموز ممکن است تکالیف یادگیری سازمان یافته را دوست داشته باشد، درحالی‌که دیگری ممکن است از آن انزجار داشته باشد. یک دانش‌آموز ممکن است از روش‌های جدید کار استقبال کند، در حالی‌که دیگری ممکن است از آن‌ها بترسد و اجتناب کند. یک دانش‌آموز ممکن است تکالیف را با روش منظم و مرتب انجام دهد، در حالی‌که دیگری ممکن است همان تکالیف را کاملاً با تمرد و سرپیچی از نظم و ترتیب انجام دهد. این تفاوت‌ها صرفاً به خاطر میزان توانائی آن‌ها نیست، بلکه به این دلیل است که دارای سبک‌های متفاوتی هستند. یعنی ترجیح می‌دهند به روش‌های مختلف توانائی‌های خود را به کار گیرند. پس سبک‌ها، گرایش‌ها یا ترجیحات هستند نه توانائی‌ها (استرنبرگ^۱ ۱۹۹۷). یکی دیگر از عواملی که در روند یاددهی معلمان جایگاه بسیار مهم دارد، مسأله خلاقیت است. خلاقیت که در روانشناسی تربیتی در حیطه شناختی قرار می‌گیرد، و به عنوان ظرفیت بالقوه بسیاری از انسان‌ها شناخته شده است و می‌تواند در معرض آموزش و پرورش مناسب قرار گیرد. انتخاب رشته و شغل از مواردی هستند که در ارتباط با خلاقیت و توانائی‌های خلاقانه قابل طرح و بررسی هستند. به نظر بورینگ، خلاقیت جنبه‌ای از روح زمان است. به نظر او ما در کشمکش برای بقا هستیم و این کشمکش در همه جنبه‌های تعقل و در زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد و نیازمند افراد خلاق در همه حیطه‌های آموزشی هستیم، اگر چه در برداشت‌های نخستین از خلاقیت و در نظریات قدیمی، خلاقیت را ظرفیت یا استعدادی می‌دانستند که در پاره‌ای از افراد وجود دارد اما با نگاهی به تاریخ گذشته در می‌یابیم که جهان به دست افراد معدودی که تفکر خلاقانه داشته‌اند تغییراتی بنیادی کرده است و اکثر پیشرفت‌های یک جامعه مدیون نوآوری و ابتکار این افراد است. با توجه به این واقعیت بسیاری از متخصصان تربیتی بر این عقیده‌اند که در دنیای پر تغییر کنونی، آموزش آفرینندگی و ایجاد خلاقیت در یادگیرندگان سنگین‌ترین و مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی است. (مرعشی ۱۳۷۸).

^۱ -Sternberg

ادوارد دوبونو^۱ (۱۹۹۲) در کتاب خلاقیت کارآمد می گوید "هیچ چیز سودمندتر و باشکوه تر از این نیست که ایده‌ی جدید و ثمربخشی اهداف شما را برآورده سازد" (سعیدی، ۱۳۸۱). خلق فکر، ایده و مفاهیم نو همواره اساس اختراعات، اکتشافات و پیدایش راه‌های مناسب برای حل مسائل و مشکلات در زندگی انسان به شمار می آیند. جوامع پیشرفته و متمدن گذشته و حال، پیوسته به ارزش و اهمیت این جنبه از توانایی‌های ذهنی و فکری انسان توجه نموده و در صدد تقویت آن برآمده و از این طریق به توسعه، رفاه، ترقی و خوشبختی نائل آمده‌اند. چراکه به قول ارسطو "ابتکار، یگانه عامل مؤثر در پیشرفت انسان به شمار می آید" (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵). به این ترتیب ضعیف بودن فرآیند بروز خلاقیت‌ها در جوامع عقب مانده نیز موجب بدبختی، فقر و فلاکت خواهد بود. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژی‌ها و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه‌های نو و مبتکرانه، همانند گرانبهاترین سرمایه‌ها، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند بطوری که بقول توین بی^۲ شانس بدست آوردن خلاقیت بالقوه، می‌تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه‌ای باشد (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۳). بی‌مبالغه می‌توان گفت که وجه مشخص و بارز جهان امروز، همانا تغییر و تحول است که هیچ زمینه‌ای بدون تأثیر آن باقی نیست چرا که بقول هراکلیتوس^۳ در حیات چیزی پایدار نیست مگر دگرگونی. براین اساس امرسون ثبات احمقانه را زائیده مغزهای کوچک می‌شمارد (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴). صرف تغییر، ارزش تلقی شده و عاملان تغییر نوآوران ارزشمند محسوب می‌شوند که دگرگونی‌ها را با امید به بهبودی هرچه بیشتر و بیشتر سبب می‌شوند از این رو هرگونه اختراع، اکتشاف، ابداع و ابتکار خود اشکال تحول بوده و موجب تغییرند (غنی زاده، به نقل از سیدعباس زاده، ۱۳۸۰، ص ۷۲). بدیهی است خلاقیت صرفاً مشتمل بر تفکر و عملکرد ذهنی افراد خاص و عرصه‌های ویژه زندگی نیست بلکه تقریباً تمامی افراد اعم از دانش‌آموز، دانشجو، کارمند، کشاورز، خانه‌دار و ... در مدرسه، محیط کار و مزرعه حتی با دارا بودن حد متوسط بهره هوشی می‌توانند دارای عملکرد خلاقانه در زمینه‌های مختلف زندگی باشند. تحقیقات اخیر تورنس^۴ (۱۹۷۳) و پارنز^۵ (۱۹۶۳) و دیگران نشان داده است که خلاقیت در تمام فعالیت‌های فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل پرورش، در همه انسان‌ها وجود دارد (همتی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). تورنس (به نقل از اونیل^۶، عابدی و اسپیل برگر^۷، ۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که طی ۱۵ سال تجربه مطالعاتی و آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را یافته‌اند که نشان می‌دهند خلاقیت را می‌توان آموزش

^۱ - Edward De Bono

^۲ - Toyenbee

^۳ - Hraklytvs

^۴ - Torrance

^۵ - Parnz

^۶ - O'Neill

^۷ - O'Neil " Abedi & Spial Berger

داد بر این اساس است که طی سال‌های اخیر پژوهش و ساخت آزمون‌های خلاقیت رونق پیدا کرده است. (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).

نوآوری و خلاقیت به‌عنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن ممکن است در مراحل بصورت کمون باقی بماند اما می‌توان آنرا دوباره احیاء کرد (ساعتچی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴). پس همه ما ذاتاً واجد توانایی تفکر و عملکرد خلاقانه هستیم لکن به واسطه شرائط محیطی به جای آنکه راه‌های بروز آن- را یاد بگیریم چگونگی سرکوب آن را فرا می‌گیریم یعنی می‌آموزیم که چگونه خلاق نباشیم (همتی، ۱۳۷۸، ص ۱) چنین برخوردی با خلاقیت نیاز مسلم جوامع، خانواده‌ها، محیط‌های آموزشی و کاری سنتی است. در محیط‌های سنتی رویارویی با مسائل، مشکلات و پدیده‌ها، واکنش‌های قالبی و راه‌های تجربه و تأیید شده را می‌طلبند (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸). برعکس برخی جوامع توسعه یافته فضای بسیار مساعدی برای بروز و رشد خلاقیت دارند مثلاً امروزه در ایالات متحده آمریکا، خلاقیت در زمینه‌های علمی و تکنولوژی، بالاترین پاداش‌ها را دریافت می‌دارد (گلמן^۱، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۳۸) بنابراین بی‌جهت نیست که حدود یک سوم اختراعات مهم جهان به‌نام آمریکا ثبت شده است.

هرچند فرض است که خلاقیت به‌عنوان توانایی ذهنی ابداع و نوآوری از ابتدای زندگی بشر وجود داشته و همواره نیز ارزشمند بوده است لکن توجه به آن در طول تاریخ، بیشتر به‌عنوان نتیجه طبیعی عملکرد ذهنی افراد با هوش و مستعد تلقی گردیده و تا یک قرن پیش مطالعه اختصاصی در مورد آن صورت نگرفته بود. اما خوشبختانه امروزه دانشمندان، متخصصان، کتاب‌ها، مجلات، تست‌ها و... زیادی وجود دارند که اختصاصاً به بحث خلاقیت می‌پردازند. با وجود این، توجه علمی به بحث خلاقیت عمر چندان طولانی ندارد، در واقع تاریخچه مطالعات علمی در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن به بیش از یک قرن نمی‌رسد. موضوع خلاقیت ابتدا مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی قرار گرفته و برای اولین بار دانشمندی بنام گیلفورد^۲ در سال ۱۹۵۰ میلادی تحقیقات علمی خود را در مورد ماهیت، عناصر تشکیل دهنده و کارکرد تفکر خلاق شروع نموده است (طالب بیدختی و انوری، ۱۳۸۳، ص ۲۵). با فرض اینکه معلمان، والدین و مربیان از مهم‌ترین عوامل حمایت‌کننده بروز خلاقیت کودکان هستند ضروری خواهد بود که برنامه آگاه‌سازی خانواده‌ها، معلمان و مسئولان آموزشی کشور در این خصوص با اهمیت تلقی گردیده و شناخت شیوه‌های تقویت بروز خلاقیت مد نظر قرار گیرد. پژوهش حاضر هدف شناخت ماهیت خلاقیت، سبک تفکر و پیش‌بینی رابطه‌ی بین آنها و ارائه پیشنهادها را در نظر دارد.

^۱ - Goleman

^۲ - Guilford

۱-۲- بیان مسأله پژوهشی

ایران با بیش از ۱۵ میلیون دانش آموز یکی از کشورهای جوان منطقه و جهان به حساب می آید و لزوم توجه هرچه بیشتر به این قشر از جامعه از جمله الزامات دولت و بویژه وزارت آموزش و پرورش محسوب می شود. زنگ ورزش همواره برای دانش آموزان جزو اوقات مفرح و شاد به حساب می آید و این به ماهیت ورزش و بازی باز می گردد که شادی و نشاط را به همراه می آورد. جمله معروف "عقل سالم در بدن سالم" بارها و بارها گفته شده و تأکید بر آن گشته است. همه می دانند که ورزش چقدر برای سلامتی جسم و جان مهم است با این حال باید دید دولتمردان ما چقدر به این موضوع بها داده اند و آیا راهکارهای علمی و عملی برای آن اندیشیده اند؟ به عنوان مثال ما برای درس هایی از جمله علوم، ریاضیات و ادبیات کتاب تدوین کرده ایم اما آیا برای ورزش نیز کتابی در دسترس است تا دانش آموزان ما ضمن رویکرد عملی به ورزش به صورت علمی نیز با مبانی آن آشنا شوند؟ در حال حاضر ورزشکاران بزرگ دنیا از بستر مدارس به جایگاه های رفیع جهانی رسیده اند. در واقع مدرسه محل مناسبی برای شناسایی این ورزشکاران به حساب می آید و پس از آن اصول اولیه حرکات ورزشی به آنها آموخته می شود.

معلم ورزش هم از جمله موارد تأمل برانگیز وزارت آموزش و پرورش است. در حال حاضر این وزارتخانه به لحاظ کمی و کیفی در این خصوص با مشکل مواجه است که این خود می تواند عاملی بازدارنده در جهت کشف و رشد استعداد های ورزشی به حساب بیاید. ورزش در مدارس کشور ما به رغم تلاش هایی که وزارت آموزش و پرورش در این سالها انجام داده هنوز جدی گرفته نشده است. مدارس کشور ما باید محلی باشند برای آموزش و پرورش نسل نوی کشور. این آموزش باید در همه سطوح صورت پذیرد از جمله ورزش، اما متأسفانه در شرایطی فعلی مشکلاتی از قبیل نداشتن نیروهای متخصص در امر تربیت بدنی و ورزش، نداشتن امکانات ورزشی در اکثر مدارس، عدم توجه معلمان ورزش و دانش آموزان به نقش ورزش و تأثیر آن در زندگی آینده، نداشتن برنامه های منسجم و مدون برای ثمره دهی ورزش مدارس، خلاق نبودن معلمان برای ارائه شیوه های نو در تدریس ورزش هنگام مواجه با کمبود امکانات و ... اجازه نمی دهند ورزش مدارس آنطور اداره شود که انتظار می رود.

از سوی دیگر مهمترین بحث در کیفی سازی ساعت ورزش، بحث تربیت مربیان تحصیل کرده است. ما ۲۱ هزار دبیر ورزش داریم که ۸۰ درصد آنها متخصصین تربیت بدنی بوده و ۲۰ درصد باقیمانده دوره های آموزشی را دیده اند. آنچه که به نظر می رسد، این است که ورزش مدارس ما در رکود قرار دارد و نتوانسته به ماهیت اصلی خود برسد. آنچه امروز در زنگ ورزش مدارس اتفاق می افتد، چیزی نیست که ما را به هدف اصلی ایجاد درس ورزش برساند ما در قبال بودجه ای که می گیریم بهره وری هم باید ببینیم که با توجه به بودجه، نیروی انسانی و امکانات چقدر بهره وری داشته ایم. برای ورزش کشور

باید یک مدل مطرح شود، آنچه به عنوان آموزش تربیت بدنی مطرح شد کارایی و اثربخشی لازم را نداشت. علیرغم همه صحبت‌هایی که درباره ساختار ورزش دانش آموزی، فرهنگ ورزش و اهمیت زنگ ورزش می‌شود اما، متأسفانه هنوز درس ورزش نتوانسته است جایگاه اصلی خود را در مدارس پیدا کند. هنوز از معلمان ورزش می‌خواهند که ساعت خود را به سایر دروس دهند، چرا؟ واقعیت این است که این امر صورت می‌گیرد و حتی وجه قانونی هم یافته است. اگر بحث همکاری باشد، سایر دروس باید از طریق نوآوری و خلاقیت با ساعت ورزش هماهنگ شوند. عامل مسأله برانگیز دیگر، وضعیت اقلیمی و بومی شهرهای مختلف ایران متفاوت است و نمی‌توانیم از معلمان ورزش بخواهیم یک دست کار کنند. باید حد وسط را رعایت کنیم. درس تربیت بدنی، درس پر نشاط و فاقد هرگونه مشار روانی است و نباید دچار سختی غیرمتعارف شود. هنوز هم شاهدیم که معلمان غیر تربیت بدنی به خصوص در مناطق دور افتاده به ارائه درس تربیت بدنی می‌پردازند. بعضاً بعضی از معلم‌ها برای پر کردن موظفی خود به زنگ ورزش روی می‌آورند. مجموعه این مباحث تأکید و تأملی بر شناخت و ایجاد جایگاه شایسته معلم ورزش در مدارس است، و باید زمینه مناسب برای جذب و به کارگیری بهترین گزینه‌های ممکن در این شغل حساس و بسیار مهم فراهم شود. در یک کلام، معلم ورزش اگر مهم‌تر از سایر معلمان نباشد، کم اهمیت‌تر نیست، جایگاه او را دریابیم.

از نظر استرنبرگ^۱ (۱۹۸۸) نیز سبک تفکر یکی از عوامل مؤثر بر خلاقیت و نوآوری است. بدین خاطر نیاز به خلاقیت و نوآوری با توجه به فضای درس معلمان ورزش مسأله‌ای اساسی در نظام آموزش کشور است زیرا معلمان تربیت بدنی در آموزش و پرورش از یک سو با آموزش تعداد کثیری از دانش‌آموزان دختر و پسر با نیازهای متفاوت جسمی و روانی و استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های آنها و از سوی دیگر با تغییرات و پیشرفت سریع در حوزه علوم ورزشی روبه‌رو هستند. هماهنگی با این تغییرات نیازمند خلق اندیشه‌های نو و ایجاد محیطی بر پایه خلاقیت است. از طرفی سطوح گوناگون آموزشی و حیطه‌های گوناگون درسی سبک‌های متفاوت از تفکر را اقتضاء می‌کند. این امر ممکن است موجب عملکرد بهتر یا ضعیف‌تر فرد در دوره‌های تحصیل شود. بنابراین، معلمان باید بر مجموعه‌ای از سبک‌های یادگیری و تفکر اشراف داشته باشند و به طور نظام‌مندی روش‌های متنوع تدریس و ارزشیابی را به کار برند. رمز موفقیت در تنوع و انعطافی است که معلمان با استفاده کامل از انواع سبک‌های تفکر، ایجاد می‌کنند در مدارس ما معمولاً تفاوت‌های فردی ناشی از سبک‌های تفکر، اشتهاً به توانایی‌ها نسبت داده می‌شود. بچه‌هایی که در مدرسه کند ذهن به نظر می‌رسند، غالباً به این سبب است که از سبکی پیروی می‌کنند که با سبک تفکر معلمانشان هماهنگ نیست. بسیاری از دانش‌آموزان یا دانشجویانی را که ما در کلاس درس ضعیف قلمداد می‌کنیم، توانایی موفق شدن را دارند. اکثر

^۱ - Sternberg

دانش آموزانی که با معلمانشان از نظر فرهنگی، اعتقادی و طبقاتی متفاوت اند، احتمالاً سبک تفکرشان نیز متفاوت است. بنابراین، احتمال بیشتری هم دارد که این دانش آموزان کمتر از واقع ارزشیابی شوند و حتی بی استعداد قلمداد شوند. با توجه به نکات فوق و با توجه به اینکه سبک‌های تفکر و خلاقیت منابع مهمی در تغییرپذیری عملکرد افراد است و نیز حیطه‌های مختلف درسی سبک‌های مختلف از تفکر را اقتضا می‌کند، پژوهش حاضر در صدد است که با تعیین ارتباط بین سبک‌های تفکر با خلاقیت معلمان تربیت بدنی، ارتباط بین این متغیرها را شناسایی کند و به پیش بینی رابطه سبک‌های تفکر معلمان و ارتباط آن با خلاقیت پردازد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

معلم خلاق، محیط آموزشی و برنامه درسی مناسب می‌تواند دانش آموز را خلاق کند و این سه اصل الگوی سیستم خلاق ویلیامز^۱ هستند. امروزه آموزش در اغلب کشورهای پیشرفته متحول شده و سعی می‌شود با شکستن چارچوب‌های آموزش سنتی و به کارگیری روش‌های جدید، آموزش‌ها مؤثرتر و کارا تر شود و بدین ترتیب فکر دانش آموزان پرورش یابد به طور کلی معلمان ورزش باید برای انجام تمرینات، فرصت‌هایی را ایجاد کنند که نیازمند تفکر خلاق باشد. بلوم معتقد است معلمان نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و مستعد، ایفا می‌کنند. سال‌ها است که در کشورهای پیشرفته، معلم ورزش اگر نقش و جایگاهی مهم‌تر و برجسته‌تر از سایر معلمان نداشته باشد، نقش کم اهمیت‌تر ندارد گواه این ادعا، نقش برجسته معلم ورزش در امر اهداف آموزشی و سلامت دانش‌آموزان است. دانش-آموزان در مقام فراگیرنده و شکل‌پذیر آموزش و پرورش به شدت تحت تأثیر رفتار معلم قرار دارند. در دوره ابتدایی که اثرپذیری، نقش‌پذیری و انعطاف‌پذیری بیشتر به چشم می‌خورد، ضرورت دارد که پیش از پرداختن به شیوه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان سعی کنید یک معلم نواندیش، نوآور و خلاق باشید، زیرا معلم ورزش در ابتدای امر آموزش در نظر دانش‌آموز الگوی قابل اعتمادی است که سبب اثبات یا نفی یادگیری می‌شود. اگر معلم آموزش خلاقیت را به دانش‌آموز به صورت کلامی ارائه دهد، ولی خودش الگوی عملی خلاقیت نباشد برای او تناقض و تضاد شناختی به وجود می‌آورد. اگر در گفتار خود، شیوه آموزش مهارت‌های ورزشی، شیوه برقراری ارتباط با شاگردان و نحوه ارزشیابی درست را بروز ندهیم و احساس و عاطفه خود را به شکل خلاقانه‌ای ابراز نکنیم هر چه تلاش کنیم نمی‌توانیم به خوبی آموزش عملی باعث پرورش خلاقیت آنها بشویم. در حقیقت معلم باید با رفتار عملی خود به شکل خلاقانه‌ای اندیشه‌ها و افکارش را نمایش دهد و با ابراز احساس عاطفه و شکل‌های گوناگون کلامی و غیرکلامی خلاقیت، فرصت نمونه برداری ادراکی را برای دانش‌آموز فراهم کند تا او بتواند به خلاقیت و

¹ - Williams